سینما

موسیقی «لاتاری» ساخته شد

موسیقی فیلم سینمایی «لاتاری» به کارگردانی محمدحسین مهدویان توسط حبیب خزایی‌فر ساخته شد. به گزارش مهر، حبیب خزایی‌فر موسیقی فیلم سینمایی «لاتاری» به کارگردانی محمدحسین مهدویان را ساخت. خزایی‌فر که پیش از این در فیلم‌های سینمایی «ایستاده در غبار» و «ماجرای نیمروز» با مهدویان همکاری کرده بود، این بار هم ساخت موسیقی فیلم دیگری از این فیلمساز را برعهده داشته است. نخستین اکران فیلم «لاتاری» در سی‌وششمین جشنواره ملی فیلم فجر است و محمدحسین مهدویان با این فیلم برای سومین سال متوالی در این جشنواره حضور دارد. پیش از این تصاویری از بازیگران این فیلم در رسانه‌ها منتشر شده بود اما برای نخستین‌بار است که تصویری از حضور نادر سلیمانی در «لاتاری» منتشر می‌شود. «لاتاری» محصول موسسه سینمایی سیمای مهر و به تهیه‌کنندگی سیدمحمود رضوی است.

ادبیات

انتشار فراخوان دوازدهمین جشنواره شعر فجر

دوازدهمین جشنواره شعر فجر ضمن رونمایی از پوستر این دوره، فراخوان دریافت آثار خود را نیز منتشر کرد. به گزارش ایسنا، آثار منتشر شده در ۳ بخش «شعر بزرگسال»، «شعر کودک و نوجوان» و «درباره شعر» در سال ۹۵ از طریق دبیرخانه دوازدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر احصا می‌شود و مورد بررسی و داوری قرار می‌گیرد. در حالی که دبیرخانه این جشنواره پیش از این شناسایی، جمع‌آوری و غربالگری اولیه آثار را آغاز کرده بود، با انتشار فراخوانی از پدیدآورندگان و ناشران خواست آثار منتشر شده دارای مجوز وزارت ارشاد را تا ۱۵ بهمن در اختیار دبیرخانه قرار دهند. در این دوره آثاری که در سال ۱۳۹۵ به زبان فارسی و با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده باشد در گروه‌های «شعر بزرگسال»، «شعر کودک و نوجوان» و «درباره شعر» مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. این چهارمین دوره‌ای است که جشنواره بین‌المللی شعر فجر توسط بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایران برگزار می‌شود و دبیری آن را جواد محقق برعهده دارد. برگزیدگان جشنواره اسفند امسال در آیین اختتامیه معرفی خواهند شد و به این برگزیدگان، علاوه بر جایزه نقدی، لوح یادبود و نشان جشنواره بین‌المللی شعر فجر اهدا خواهد شد.

کتاب

«نماز» آیت‌الله حائری‌شیرازی در کتابفروشی‌ها

گفتارهای حائری‌شیرازی در باب نماز در کتاب «نماز» از سوی دفتر نشر معارف منتشر شد. کتاب «نماز» مرحوم آیت‌الله حائری شیرازی(ره) از سوی دفتر نشر معارف روانه کتابفروشی‌ها شد. به گزارش فارس، کتاب «نماز»، مجموعه‌ای از چند گفتار حضرت آیت‌الله حائری شیرازی(ره) درباره نماز و فلسفه و آثار آن است که این اندیشمند به زیبایی، آثار فردی و اجتماعی این عمود خیمه دین را بررسی کرده‌اند. در این کتاب موضوعاتی همچون معنای «ذکر» بودنِ نماز، تفاوت ذکر با تلقین و تقلید و القاء، نماز؛ عامل تبدیل ایمان به یقین، نماز شوینده غفلت‌های اجباری، کارکردهای مختلف ذکر در انسان‌ها، رابطه داخل و خارج نماز، تفاوت تأثیر نماز و سایر عبادات بر انسان، ریشه‌های عدم حضور قلب در نماز، نماز و ولایت، چرا ولایت، «شرط قبولی» نماز و سایر اعمال است؟، کفر به طاغوت؛ مقدمه نماز و خودسازی، نماز؛ انتقال از طبیعت به فطرت، نماز دستگاه حراست انسان از فحشا و منکر، چرا اوقات نماز به ۵ وقت تقسیم شده است؟، آداب خروج از منزل و ورود به مسجد، خلاصه‌ای از فلسفه اذکار و افعال نماز، بزرگی خدا؛ نخستین یادآوری در نماز، مایه رستگاری بودن نماز، حمد و تمرکز در نماز و... مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب «نماز» اثر آیت‌الله حائری‌شیرازی(ره) در ۱۴۰ صفحه در شمارگان ۳ هزار نسخه با قیمت ۸ هزار تومان توسط دفتر نشر معارف منتشر شده است. بر اساس این گزارش، «آینه تمام‌نما»، «حکومت جهانی خدا»، «با علی(ع) در صحرا» و «تعلق» دیگر آثاری است که از این عالم ربانی توسط دفتر نشر معارف منتشر شده است.

نگاهی به جشنواره موسیقی فجر در ۳۳ سالگی

حذف مردم از موسیقی

محسن شهمیرزادی: اگر اهل پیگیری هنر و ادب کشور باشید، حتما اندک توجهی به جشنواره فیلم فجر خواهید داشت. این علاقه اگر بیشتر باشد بی‌شک تئاتر فجر را هم پیگیری خواهید کرد اما کمتر پیش می‌آید مخاطبان دغدغه جشنواره موسیقی فجر را داشته و پیگیر آخرین فعالیت‌های گروه‌های موسیقی نواحی و جدیدترین خواننده بین‌المللی در این جشنواره باشند. این عدم پیگیری عام- و به تبع آن عدم توجه رسانه‌ها- باعث می‌شود مدیران جشنواره دور از حاشیه و البته بدون نیاز به پاسخگویی تصمیمات خود را اعمال کنند. تصمیم‌گیری بدون توجه رسانه‌ها بی‌شک می‌تواند از جانب مدیران پسندیده باشد اما عدم نیاز به پاسخگویی و اعمال سیاست‌های مطلوب، اتفاقی است که باعث شده جشنواره موسیقی فجر خود را از انتقاد و بررسی سیاست‌های جشنواره‌ای دور ببیند. از این رو تحلیل و بررسی جامع این جشنواره ضروری به نظر می‌رسد، زیرا علاوه بر عدم پرداخت عمومی رسانه‌ها به این جشنواره، عمده تصمیمات جشنواره اعم از انتخاب گروه‌ها، سیاست‌گذاری و... بر عهده دبیر این رویداد بوده و می‌توان با تحلیل تصمیم‌گیری‌ها رویکردهای این جشنواره را بررسی کرد. رویکردهایی که از ۲ وجه می‌توان آنها را بررسی کرد؛ نخست جدا کردن سره از ناسره و نقد جزء به جزء این جشنواره است. از دیدگاه دوم نیز می‌توان روند کلی این جشنواره را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؛ بررسی سیاست‌هایی که از چند دوره گذشته به وقوع پیوسته و بناست در آینده نیز ادامه‌دار باشد.

■ **سره و ناسره‌های جشنواره**

برای نام بردن از «سره»های موسیقی فجر به تامل فراوانی نیاز است. در ابتدای امر شاید بتوان اختصاص بخشی مجزا -ولو تشریفاتی و نوستالژیک- برای موسیقی انقلابی در جشنواره «فجر» به نسبت سایر جشنواره‌ها را پسندیده دانست. همچنین موسیقی نواحی نیز از جمله بخش‌هایی است که می‌توان از فلسفه وجودی آن دفاع کرد؛ هر چند همگی رای بر تشریفاتی بودن آنها داده‌اند. از سوی دیگر اما بخش‌های متعدد این جشنواره مورد انتقاد اهالی هنر و موسیقی قرار گرفته است. قیمت نجومی بلیت‌ها از جمله مسائلی است که تعجب بسیاری از اهالی موسیقی را برانگیخته است؛ قیمت‌هایی که تفاوت چندانی با کنسرت‌های آزاد در ایام غیرجشنواره ندارد، به طور مثال از قیمت ۵۰ تا ۹۰ هزار تومانی بلیت در تالار ایرانیان می‌توان نام برد. بی‌شک رسالت جشنواره فجر را که متصدی آن دولت بوده و بستری برای دورهمی اهالی موسیقی است، نمی‌توان مشابه یک هلدینگ اقتصادی دانست که مسؤولیت برگزاری کنسرت و عایده مالی از این طریق را دارد. فریدون آسرایی چندی پیش در گفت‌وگویی که پیرامون این جشنواره داشته است با انتقاد از بی‌عدالتی مدیران جشنواره در توزیع بلیت و اختصاص جشنواره دولتی فجر به قشر مرفه، اظهار داشت: «هیچ‌گاه در اجراهای مربوط به جشنواره، بلیت به شکل رایگان در اختیار مردم قرار داده نمی‌شود. جشنواره موسیقی فجر به جای اینکه از مردم عادی و طبقه ضعیف دعوت کند تا اجراها را ببینند از آنان پول دریافت می‌کند. متاسفانه جشنواره موسیقی فجر و کنسرت‌های موسیقی که برگزار می‌شود مناسب وضعیت مالی طبقه پایین جامعه نیست». همچنین برخلاف سال گذشته که پس از افتتاح رسمی سامانه «حام» و برگزاری چند کنسرت موسیقی آنلاین که اتفاقا با استقبال مخاطبان شهرستانی و تماشاگرانی که قادر به خرید بلیت‌های نجومی کنسرت‌ها نیستند، مواجه شد، امسال این سامانه به دلایلی نامعلوم از جشنواره حذف شد تا عملا جز خرید بلیت‌های پربهای کنسرت برای مخاطبان تهرانی راهی دیگر برای حضور در جشنواره وجود نداشته باشد. انتخاب گروه‌ها و خواننده‌ها برخلاف روند سایر جشنواره‌ها بر عهده دبیر اجرایی جشنواره موسیقی فجر است. عدم حضور چهره‌های فاخر عرصه موسیقی و پررنگ‌تر شدن بَندها و خواننده‌های گیشه‌محور نشان می‌دهد که منطق بازار و فروش بر این جشنواره حاکم است. فریدون آسرایی با بیان اینکه گیشه، هویت جشنواره را مشخص می‌کند، گفته بود: «از خوانندگان بزرگ به دلیل نداشتن گیشه در این جشنواره دعوت نمی‌شود و متاسفانه هر سال وضعیت به همین شکل است، حتی اجراهای جشنواره در این دوره نیز براساس احتمال فروش خوب‌شان انتخاب شده است. هیچ وقت جشنواره موسیقی فجر از پایه‌گذاران موسیقی پاپ همچون خشایار اعتمادی، محمد اصفهانی، علیرضا عصار، قاسم افشار و امیر تاجیک دعوت نکرده، تنها به این دلیل که به دنبال گیشه است». همچنین علی رهبری، از برجسته‌ترین رهبران ارکستر سمفونیک ایران که نامی آشنا در ارکسترهای جهانی دارد، پیش از این در نامه‌ای آتشین انتقادهای بسیاری را به این جشنواره وارد کرد که در بخشی از آن به عدم دعوت هنرمندان صاحبنام اشاره داشت و نوشت: «ایران دارای هنرمندان بزرگی در زمینه موسیقی سنتی و غربی است که براستی از افتخارات این سرزمین هستند. فقط به این چند نام که عنوان می‌کنم توجه کنید: حسین علیزاده، شهرام ناظری، همایون شجریان، داریوش طلائی، کیهان کلهر، علیرضا مشایخی، علیرضا قربانی، مسعود شعاری و چندین و چند استاد مسلم دیگر. چرا این استادان در این جشنواره دولتی که هزینه آن از طرف دولت تامین می‌شود مشارکت و حضور ندارند؟» وی همچنین در ادامه بیان داشت: «آیا تصادفی است که از رهبران، نوازندگان و آهنگسازان ایرانی بسیار موفق موسیقی کلاسیک در خارج از کشور دعوتی به عمل نمی‌آورند؟ یا به خاطر جلوگیری از کسادی بازار خودشان جلوی ورود و حضور دیگران را می‌گیرند، آن هم به قیمت پایین کشیدن سطح هنر مملکت. موضوع چیست؟» همچنین با وجود افزوده شدن سالن‌های اجرای کنسرت با ظرفیت و کیفیت بالا در پایتخت که دسترسی افراد را به برنامه‌ها و ایجاد فضای رقابتی فراهم می‌کرد و وجود مجموعه‌های آزموده‌شده‌ای چون مرکز همایش‌های برج میلاد تهران و سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران، اجرای بخش اعظمی از کنسرت‌های پرمخاطب موسیقی پاپ به سالن ایرانیان سپرده شد، آن هم در شرایطی که از این سالن همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین سالن‌های وزنه‌برداری آسیا استفاده می‌شود. مختصات جغرافیایی این سالن که در ضلع غربی ورزشگاه آزادی قرار دارد، عملا مانع از حضور افرادی می‌شود که از داشتن خودروی شخصی محرومند اما سکوت رسانه‌های تخصصی موسیقی در این زمینه چندان عجیب به نظر نمی‌رسد. اقبال مدیران و رسانه‌های موسیقی به یکدیگر و همراستایی سیاست‌های مدیران و اقبال تجاری رسانه‌ها به این امر موجب شده جز خبرگزاری‌های عمومی نظیر مهر، فارس و... چیزی جز رپورتاژ از این سایت‌ها شاهد نباشیم.

در حال حاضر جشنواره دولتی موسیقی فجر به سمت پول درآوردن حرکت می‌کند و این برعکس تمام دنیاست. در تمام دنیا جشنواره‌های دولتی فضایی برای آشنایی بیشتر مردم با موسیقی‌های هنرمندان‌شان محسوب می‌شود اما در اینجا جشنواره تبدیل به یک بازار شده است

■ **جشنواره موسیقی پول**

این انتقادات اگرچه از دید مدیران جشنواره مغفول واقع نشده است اما مساله زاویه دید متفاوتی است که از جانب هنرمندان و مدیران وجود دارد. اقتضای منطقِ بازاری موجب پدید آمدن بلیت‌های گرانقیمت، سالن‌های مرتبط با افراد خاص، استفاده از هنرمندان گیشه‌ای، تعامل تجاری با سایت‌های تخصصی و... می‌شود. فلذا اگر با نگاه مدیران جشنواره بنگریم بی‌شک هیچ کدام از اینها نقطه ضعف محسوب نمی‌شود اما نکته مهم اینجاست که این جشنواره دولتی بوده و رسالتش چیزی جز کسب درآمد و سود مالی است. علی رهبری با اشاره به همین موضوع در نامه مطول خود بیان داشت: «تازه برای اجرای این جشن- نه جشنواره- در این سطح هم در هیچ کجای دنیا به وزارت فرهنگ و ارشاد و تشکیلات دولتی و بودجه دولتی بیش از یک میلیارد نیازی نیست. این کار را در این سطح، یک آژانس و بنگاه شادمانی هم می‌تواند به مراتب بهتر از آقایان انجام دهد، نه وزارت فرهنگی که وظیفه‌اش بالا بردن سطح فرهنگ مردمش است. بودجه جشنواره‌های وزارت فرهنگ باید صرف تعالی فرهنگ و هنر شود، نه صرف تفریح و سرگرمی. جالب اینجاست که اغلب گروه‌های ایرانی در طول سال خودشان سالن‌ها را اجاره و برنامه برگزار می‌کنند و پول‌شان را هم درمی‌آورند. حالا دولت می‌آید، تحت عنوان برگزاری جشنواره، نه‌تنها سالن‌ها را رایگان در اختیار این گروه‌ها می‌گذارد بلکه به آنها دستمزد هم می‌دهد». رابعه زند، آهنگساز و نوازنده قانون که اثرش را از بخش جوایز این دوره از جشنواره خارج کرده بود در گفت‌وگویی با اشاره به روند جشنواره فجر اظهار داشت: «در حال حاضر جشنواره دولتی موسیقی فجر به سمت پول درآوردن حرکت می‌کند و این برعکس تمام دنیاست. در تمام دنیا جشنواره‌های دولتی فضایی برای آشنایی بیشتر مردم با موسیقی‌های هنرمندان‌شان محسوب می‌شود اما در اینجا جشنواره تبدیل به یک بازار شده است. یعنی هر کسی که بیشتر بفروشد و سود مالی بیشتری داشته باشد به جشنواره آورده می‌شود؛ در واقع رانتی که دولت به جشنواره می‌دهد تا در جهت ارتقای فرهنگ و هنر کشور هزینه شود دارد صرف درآمدزایی می‌شود و این روند اساسا اشتباه است». مانی جعفرزاده، از اساتید موسیقی که در نشست نقد و بررسی دوره قبلی جشنواره انتقاداتی به روند جشنواره موسیقی فجر داشت نیز پیرامون معیار تجاری مدیران گفت: «آقای نوربخش در جایی عنوان کرده بودند که جشنواره موسیقی فجر جای موسیقی مظلوم نیست! با توجه به گروه‌هایی که در جشنواره شرکت کردند می‌توان گفت منظور ایشان موسیقی جدی بوده است. من هیچ خصومتی با آثار تجاری ندارم اما به اعتقاد من جشنواره کارش این است بخشی از موسیقی را وارد جشنواره کند که امکان رقابت با موسیقی‌های تجاری را ندارد. اگر معیار و ارزش جشنواره موسیقی فجر فروش بلیت باشد که فلان خواننده لس‌آنجلسی به تنهایی بیشتر از همه شما می‌فروشد، پس بهتر است سراغ او بروید. اصولا موسیقی تجاری نیازی به حمایت ندارد، چرا که براحتی مسیر خودش را طی می‌کند. در جشنواره‌های معتبر دنیا هم اصل بر ورود موسیقی‌های جدی است که در جامعه برای شنیده شدن نیاز به حمایت دارند». حضور محسن رجب‌پور، مالک برند «حامد همایون» و مدیر موسسه ترانه‌های شرقی که مدیریت عامل صنف تهیه‌کنندگان و ناشران آثار موسیقی را برعهده دارد، از جمله عوامل موثر در روند تجاری‌سازی جشنواره فجر است. روندی که سال‌های قبل از انقلاب نیز توسط چهره‌های دیگری دنبال می‌شد و علی رهبری در همان نامه معروف خود با اشاره به روند فعلی جشنواره موسیقی فجر، آن را بازگشت به دوره پیشاانقلاب دانست. در بخشی از یادداشت او در این‌باره آمده است: «وزارت فرهنگ و ارشاد با این کارهای نمایشی توخالی، درست همان راه غلطی را رفته و می‌رود که وزارت فرهنگ و هنر قبل از انقلاب رفت و به جایی هم نرسید. ۳ سال قبل از انقلاب انتقاد صریح بنده به عنوان آهنگساز، رهبر ارکستر و رئیس هنرستان‌های عالی و موسیقی ملی به مسؤولان آن زمان این بود که شما برای نمایش و ظاهرسازی، هزاران دلار خرج می‌کنید اما به هنرستان‌ها که می‌رسد می‌گویید پولی ندارید. آن روزها هم گفتم که چرا شما به وضع هنرستان‌ها، حقوق معلمان و هنرجویان بی‌بضاعت رسیدگی نمی‌کنید؟» مهم‌ترین پیامد تجاری‌سازی بی‌رویه موسیقی را می‌توان احاطه تاجران بر این هنر- صنعت دانست؛ احاطه‌ای که تولید و مصرف موسیقی را به سمت ابتذال و سطحی‌گرایی سوق می‌دهد.

■ **«فجر» غیرانقلابی**

اگرچه نام این جشنواره با «فجر» گره خورده اما نه در جشنواره موسیقی و نه در سایر جشنواره‌ها نمی‌توان به آسانی سهمی از انقلاب و فجر انقلاب در آنها یافت. هرچند در ظاهر جشنواره موسیقی در زمینه توجه به فجر، حداقل از جشنواره‌های دیگر کارنامه بهتری داشته و بخشی را برای «موسیقی انقلاب» تدارک دیده است ولی در همان بخش تقریبا تشریفاتی نیز، فقط ۶ اثر حضور دارند که همگی به موسیقی‌های نوستالژیک دهه‌های اول انقلاب می‌پردازند و خبری از موسیقی‌های انقلابی جدید نیست. در میان این آثار نوستالژیک نیز عمدتا مضامین میهن‌پرستانه و نه انقلابی یافت می‌شود. بی‌شک نوستالژیک کردن انقلاب و جلوگیری از بازتولید این مفهوم در قالب‌های آثار هنری خود دست‌کمی از نادیده انگاشتن آن ندارد. علی رهبری در نامه آتشین خود پیرامون استفاده از واژه «فجر» در این جشنواره آورده است: «سوءاستفاده گروهی بی‌خرد، بی‌تجربه و بی‌سواد از نام زیبا و حساس فجر، تنها جشنواره مملکتی و ملی ما را به سطحی بسیار نازل پایین کشیده و موجب به حاشیه راندن اغلب هنرمندان شایسته مملکت شده است. این جشنواره که تنها جشنواره جدی ایران است، می‌بایست بازتاب سطح هنری و فرهنگی ایران امروز باشد که صدالبته چنین نیست». وی در ادامه همچنین با انتقاد از «جشنواره» خواندن موسیقی فجر که هیچ کدام از معیارهای کافی را ندارد، نوشته است: «تازه به این برنامه من‌درآوردی بدون هدف- واژه جشن و نه جشنواره- بیشتر می‌خورد، برنامه‌ای که مانند یک ساندویچ، هر چه آسان و دم دست پیدا کرده‌اند در آن گنجانده‌اند. این برنامه‌ای که آنها هرساله برگزار می‌کنند، به هیچ عنوان نامش جشنواره نیست. بهترین نام برازنده این گردهمایی، همان «شو» است. به نظر بنده، به خاطر حفظ حرمت نام «فجر» بهتر است که این لغت را هم از اسم جشنواره حذف کنند». همچنین محمد گلریز، از خواننده‌های برجسته ابتدای انقلاب با بیان اینکه پیش از این ورود بخش سرود انقلاب به جشنواره را امری مثبت قلمداد می‌کرده، اظهار داشت: «فقط عنوان جشنواره، موسیقی فجر است اما هیچ بویی از انقلاب اسلامی و فجر انقلاب در آن احساس نمی‌شود. اگر نمی‌خواهند موسیقی انقلابی را ترویج کنند، پس برای چه این اسم را انتخاب کردند؟ انقلاب اسلامی در این هزینه‌ها و مبالغ سنگینی که صرف برگزاری کنسرت‌های مختلف پاپ و سنتی و تلفیقی و... می‌شود، هیچ سهمی ندارد». نگاه نوستالژیک به انقلاب و اهمیت تشریفاتی به هنر انقلابی را می‌توان به نوعی تجسم نگاه مدیران فرهنگی دانست که ماحصل آن وجود بخشی به نام موسیقی انقلاب با موسیقی‌های نوستالژیک آن است.

■ **انحصار؛ آینده ترسناک موسیقی**

این فرآیند البته گامی بزرگ در جهت صنعتی شدن هرچه بیشتر موسیقی است. اگرچه اقتصاد هنر و درآمدزایی از موسیقی امری بدیهی محسوب شده و لازمه ادامه حیات این هنر است اما اولویت تجارت بر فرهنگسازی و هنر بدعتی است که با پذیرفتن آن، لاجرم باید اثرات جبران‌ناپذیر آن روی فرهنگ جامعه را نیز بپذیریم. بازار موسیقی جهانی در انحصار ۴ شرکت است و این ۴ برند بزرگ با به‌دست گرفتن ۷۰ درصد بازار جهانی و ۸۰ درصد بازار ایالات متحده به نوعی یک الیگوپولی (یا انحصار چندگانه) ایجاد کرده‌اند. شرکت‌های کوچک در رقابت با این شرکت‌ها یا هضم می‌شوند و به بزرگ‌ترها می‌پیوندند یا حذف شده و ورشکست می‌شوند. صنعت موسیقی در قرن بیستم انحصاری بوده و بیش از ۷۵ درصد آن تنها به ۴ برند مهم «سونی موزیک»، «وارنر موزیک»، «ای‌ام‌آی» و «یونیورسال» تعلق داشت که تحرکات تهیه‌کنندگان موسیقی داخلی در چند سال اخیر نشان‌دهنده ادامه این روند جهانی در ایران است. انحصار صنعت موسیقی ایران و کسب درآمدهای نجومی از هنر موجب شده جشنواره فجر که ماهیتی دولتی داشته و رسالت آن حمایت از هنرمندان و مردم است، تبدیل به یک جشنواره خصوصی و منبعی دیگر برای درآمدزایی شود. این انحصار از آنجایی خطیر محسوب می‌شود که بتدریج فرآیند تولید نیز در اختیار انحصارگرایان قرار گرفته و نه‌تنها هنرمندان طبق خط‌مشی تجاری آنان به تولید محصول می‌پردازند، بلکه ذائقه مردم نیز به سمت دیگری سوق پیدا می‌کند. آنچه تاکنون اتفاق افتاده است موید همین روند بوده و مشاهده می‌شود که موسیقی به سمت بی‌محتوایی و ابتذال رفته و نه‌تنها نقشی در تعالی مخاطبان خود ندارد بلکه موارد استفاده آنها به تخلیه هیجان در کنسرت‌ها، ضبط خودرو و پارتی‌ها محدود می‌شود. همچنین اصالت تجاری‌سازی در موسیقی، این هنر را عاملی برای ایجاد شکاف طبقاتی می‌سازد. با این روند موسیقی (کنسرت) مختص قشر مرفه جامعه شده که پسماندهای آن (قطعه‌های دانلودی) به سایر اقشار جامعه می‌رسد. جشنواره فجر نیز با قدم برداشتن در این راستا، عملا مردم را از جشنواره حذف کرده و با بلیت‌های ۹۰ هزار تومانی آن را به کالای لوکس مصرفی برای طبقه بالای جامعه تبدیل کرده است. در این میان مهم‌ترین وظیفه نهادهای سیاستگذار در این امر، تدوین خط‌مشی کارشناسانه برای موسیقی ایران است که علاوه بر رعایت حریم شرعی و عقلی، به آزادی ژانرها احترام بگذارد. موسیقی ایران در حال گذار بوده و اگر بزودی برای این صنعت- هنر تصمیمی مناسب اتخاذ نشود بی‌شک جبران آن تقریبا غیرقابل ممکن خواهد بود.

در بخش تقریبا تشریفاتی «موسیقی انقلاب»، فقط ۶ اثر حضور دارند که همگی به موسیقی‌های نوستالژیک دهه‌های اول انقلاب می‌پردازند و خبری از موسیقی‌های انقلابی جدید نیست. در میان این آثار نوستالژیک نیز عمدتا مضامین میهن‌پرستانه و نه انقلابی یافت می‌شود

تئاتر

دفاع دبیر جشنواره تئاتر فجر از نمایشی با مضمون زنان روسپی!

پس از آنکه رسانه‌ها اخباری در ارتباط با حضور نمایشی پرحاشیه با موضوع زنان روسپی در جشنواره تئاتر فجر منتشر کردند، دبیر جشنواره تئاتر فجر با انتشار یادداشتی به دفاع تمام قد از این نمایش پرداخت. به گزارش «وطن امروز»، نمایش «روز عقیم» نمایشی است که درباره زنان فاحشه زمان پهلوی و تخریب شهر نو پس از انقلاب اسلامی ایران و بلاتکلیفی این افراد در جامعه نگاشته شده است. فرهاد مهندس‌پور در یادداشتی که فارس آن را منتشر کرده، به حمایت از این نمایش که حسین کیانی کارگردانی آن را برعهده دارد، پرداخت. در بخشی از این یادداشت آمده است: «حسین کیانی‌استعاره «روز عقیم» را از آیه ۵۵ سوره حج در قرآن کریم وام گرفته است؛ واژه «عقیم» یک بار دیگر در آیه ۴۱ از سوره الزاریات تکرار شده است. حسین کیانی استعاره «بتر بودن»، «سترونی» و در هم کوفتگی کاراکترهای نمایشش را با آوردن «روز عقیم» پیشینه و پشتوانه‌ای مذهبی داده‌است. خاستگاه گروهی که حسین کیانی به آنان پرداخته، به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی باز می‌گردد...». او در بخش دیگری از این یادداشت با اخلاقی خواندن مفهوم این نمایش، آورده است: «مفهوم اخلاقی نمایش «روز عقیم» در خلال آرزوها و ناکامی‌ها و گرفتاری و نکبت و پرخاش کاراکترهایش، عبرتی است که درونمایه نمایشنامه بر اساس آن نوشته شده است.» جالب آنکه پیش از این حسین کیانی به دلیل حجم بالای ممیزی‌های وارد شده با نگارش نامه‌ای از حضور در جشنواره انصراف داده بود ولی در نهایت با درخواست دبیر جشنواره حاضر به حضور در جشنواره شد!

تلویزیون

از سریال «گیله‌وا» چه خبر؟

تهیه‌کننده سریال «گیله‌وا» که این روزها آخرین مراحل تولید خود را پشت سر می‌گذارد با بیان اینکه هنوز شبکه پخش این مجموعه مشخص نشده است، اظهار امیدواری کرد که این سریال مورد توجه مخاطبان قرار خواهد گرفت. به گزارش ایسنا، امیر بنان تهیه‌کننده سریال «گیله‌وا» درباره روند تولید این مجموعه تلویزیونی که تلاش می‌کند تاریخ را در دوره قحطی سال ۱۲۹۷ به تصویر بکشد، گفت: در حال حاضر تدوین کار به پایان رسیده و مراحل صداگذاری، جلوه‌های ویژه تصویری و موسیقی در حال آماده‌سازی است اما تا زمانی که مراحل تولید این مجموعه به پایان نرسد، شبکه پخش آن نیز مشخص نخواهد شد. او همچنین یادآور شد که سریال «گیله‌وا» قصه‌گویی روان و خوبی دارد و با آنچه پیش از تولید در نظرمان بود مطابقت دارد. این سریال به عنوان یکی از تازه‌ترین محصولات مرکز فیلم و سریال سازمان هنری - رسانه‌ای اوج در تلاش است با نگاهی عاطفی به زندگی مردم شمال ایران در بستر اتفاقات تاریخی سال ۱۲۹۷ بپردازد و روایتگر سبک زندگی و روابط اجتماعی و عاطفی مردم ایران و بویژه مردم خطه گیلان در ۱۰۰ سال گذشته باشد.

■■■

برگزاری نشست «برندسازی در رسانه» در صداوسیما

نشست تخصصی «برندسازی در رسانه» به همت مرکز بسیج سازمان صداوسیما برگزار می‌شود. به گزارش فارس، مجتمع آموزشی - پژوهشی شهید آوینی مرکز بسیج صداوسیما با همکاری مدیریت پژوهش مرکز طرح، برنامه و ارزیابی سیما نشست «برندسازی در رسانه» را برگزار می‌کند. در این نشست که قرار است در آن مباحث مربوط به برندینگ رسانه‌ای بیان شود، تلاش می‌شود به سوالاتی نظیر «برندسازی در رسانه چیست؟ چگونه می‌توان تولیدات رسانه‌ای را برند کرد؟ چگونه باید از برند محافظت کرد؟» پاسخ دقیق و علمی داده شود. در نشست «برندسازی در رسانه» دکتر خیامی استاد ارتباطات و رئیس مرکز طرح، برنامه و نظارت سیما، دکتر قاسمی استاد مدیریت ورزشی و مدیر شبکه رادیویی ورزش و معینی مدیرکل دفتر مالکیت فکری سازمان صداوسیما به سخنرانی و ارائه بحث می‌پردازند. این نشست روز دوشنبه دوم بهمن از ساعت ۸:۳۰ دقیقه در سالن رضوان مرکز بسیج صداوسیما برگزار می‌شود.